



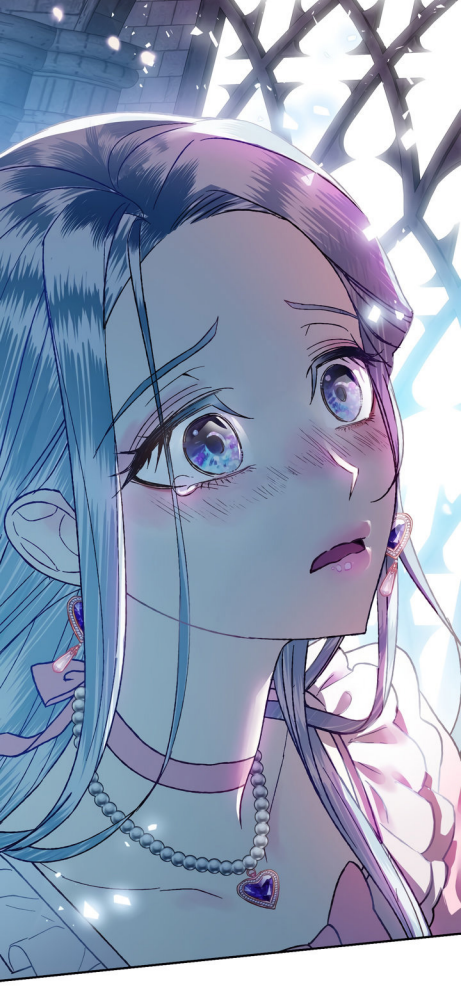
Lan Neji : مترجم

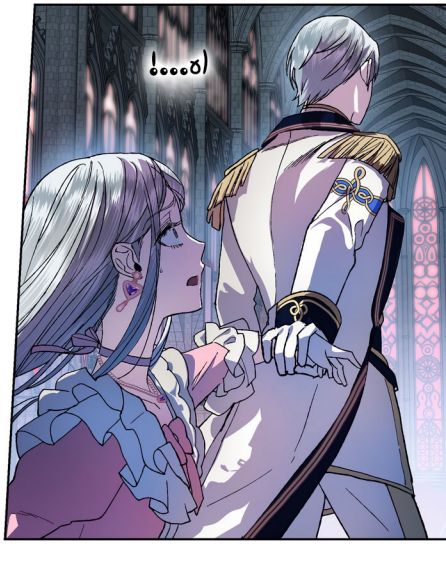
ادیتور: Sg~

IRISEKAI

T.me/IriSekai

instagram.com/IrisSekai





چطوری کار به اینجا رسید؟!

آپا، نا ای 결혼 안 할래요!

만화 · Roal 각색 · 유리

원작 · 홍희수

1

واایی!!!!

پرنسس
خوش کرد!!!!

Tris
Sekai

T.m/

TrisSekai

سمیه..

این سمیه..

تو نوشیدنی

پرنسس سمه!



تو...!

نه!
جووليان!!

ینی توهم
آکرش میخواستی
پرنسسو بکشی؟!



음!
킷!

نه!! کار
من نبود!!



تورو خدا
حرفمو باور کن!!
میکائیل!

چون پرنسس
گفته تیشیشیه، فقط
میخواستم...



بسه!!



بخاطر اینکه
عاشق پرنسس
شدم و تورو انداختم
دور، همچین کاریو
کردی؟!

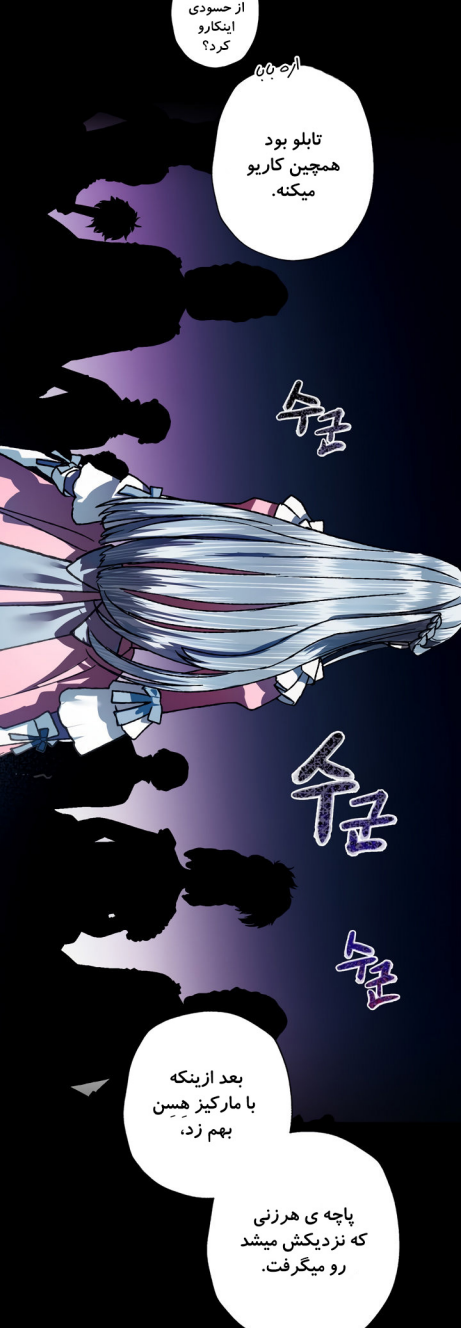


میگائیل!!



پشمام
فکرشو
میکردم، ینی
از حسودی
اینکارو
کرد؟

اره باب
تابلو بود
همچین کاریو
میکنه.



بعد از اینکه
با مارکیز هسن
به هم زد،

پاچه ی هرزنی
که نزدیکش میشد
رو میگرفت.



حتی سراغ
پرنسس رفت..

수군:



파-앙



درسته که از
پرنسس اونم بخاطر
اینکه میکانیلو ازم
گرفت پدم میاد..

바들

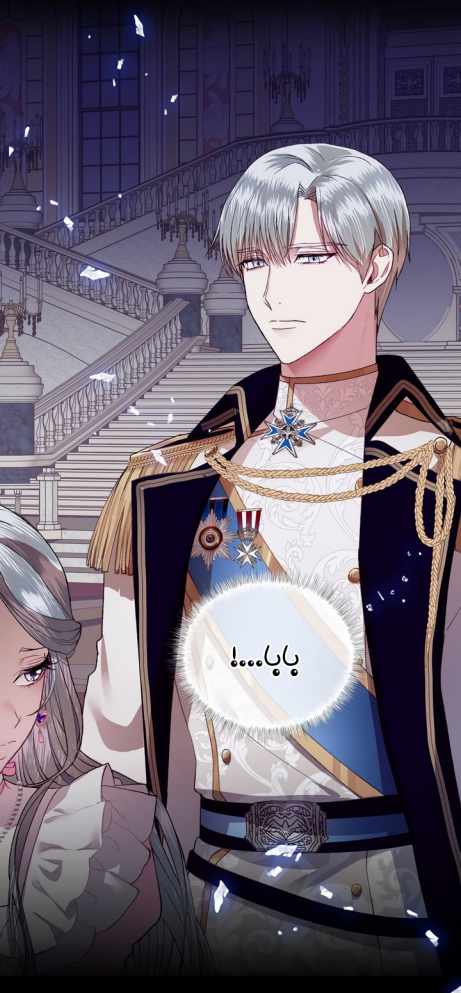
바들



ولی به خدا که
هیچوقت آرزوی
مرگشو نداشتم.

저번

저버!



پاپا...

دارید چه
غلطی میکنید؟!



اون چنده ی
لوسه فنرو بندازین
زندان!

با.. بابا ، تو
حرفمو باور میکنی..
مگه نه؟



타
7



سرورم،
میبرمش
اونجا!



اونوقت برا
پی باید به تو
اعتلا کنم؟!



از کجا معلوم
یه کرمی تو
زندان نریزی؟!

اگه ببرمش
اتاق سایه بهم
اعتماد میکنید.

쿵

اتاق سایه؟

اتاق سایه..

جایی که نعمتونی
داخلش از جادو استفاده
کنی و سلاخی با
خودت ببری.

جایی که کسانی که واردش
میشن هیچوقت نعمتونن از توش بیرون
بیان و فقط افرادی که خیانت ناجوریو
مرتکب شدن میفرستن اونجا.



وقتی که فقط می‌گه منو
تو اتاق سایه زندانی میکنه..



معلومه که پی خیالم شده..!

چطور میتونی
همچین کاریو با
من بکنی؟!



انداختن دور..

از بچگی بهش
عادت کردم...

بابا، تو
همیشه..



همینطوری بودی..

چرا اومدی؟

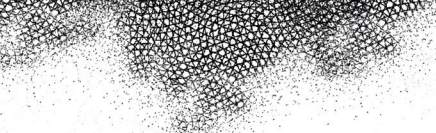


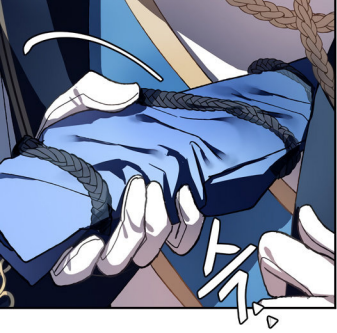
چون میخواستم
بینمت..

쭈익
(())

همینجور الکی
نیا پیشم!

쭈익
(())



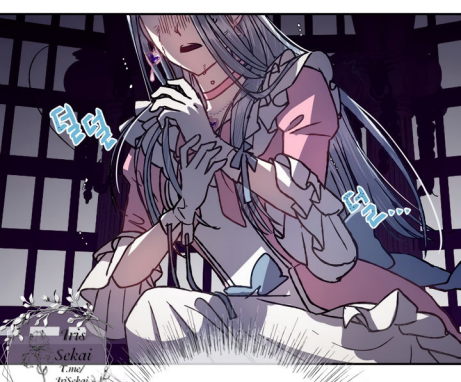
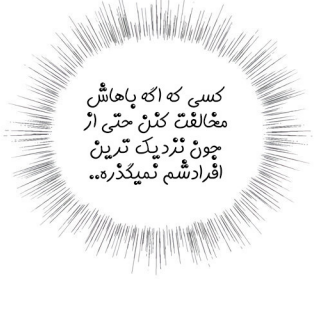




لطفا...

منو اینجوری
ننداز دور...





برو کنار!!

اومدم از مجرمی
که جرات کرده به
خواهرم صدمه برسونه
بازجویی کنم.

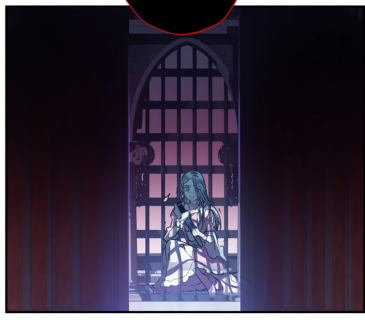
عالیجناب
با بازجوییتون
موافقت
نکردن..

مگه نباید برای
بیرون کشیدن
اعتراف از مجرم
خون و خون ریزی
راه بندازی؟

فقط وقتی
که ادمارو تا سرحد
مرگ زجر میدی به
حقیقت اعتراف
میکنن.



ازونجایی
که قرار نیست
بگشمش..



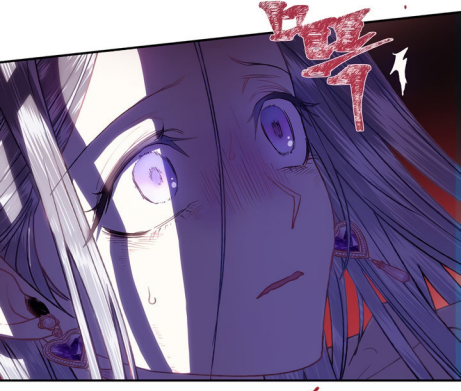
پس نگران
نباش..

ای.. ای.. ای..

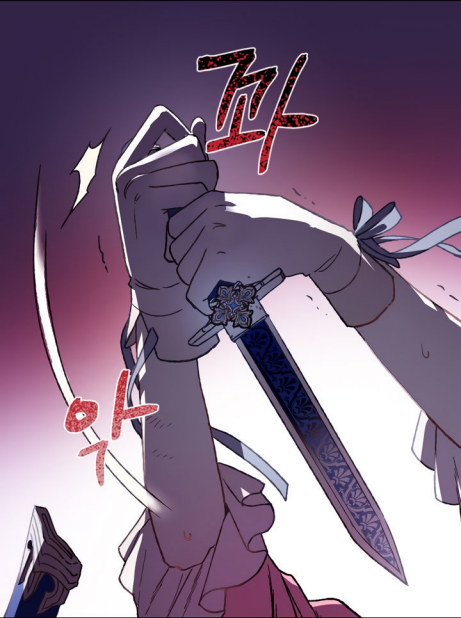


پس تو بودی؟

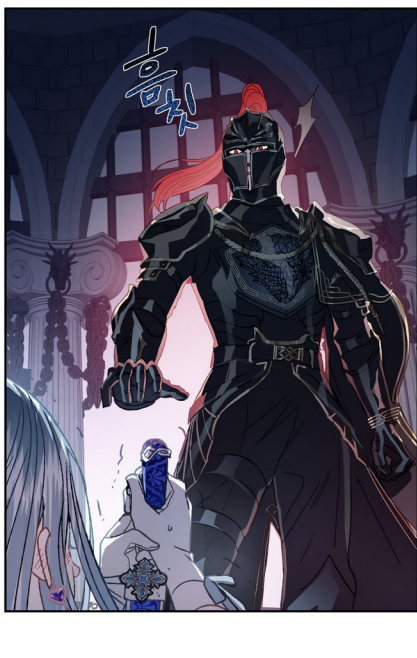




به جای اینکه دست رو دست بزارم
تا پیاد و شکنجه ام کنه..



چرا اینکارو...



تنها نفس و عیب و ایراد
خانواده ی دوک پلون.

صبر کن!!



Iris
Sekai
T.me/
IrisSekai

اونایی که به
من پشت کردن..

من فقط..



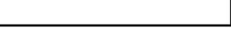
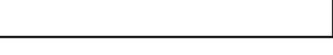
فقط میخواست که دوستش داشته باشن.



زندگی اون زن همونچاپه پایان رسید.



بعد از اون دیگه اتفاق دیگه داستان ادامه پیدا نکرد..



ها



اگه آخر شو
میفهمیدم خیلی
خوب میشد..



بر اچی منو
صدازدی؟



جوولیان.



به عنوان یکی از
خواننده های این رمان..



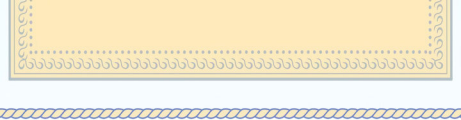
شروری که بعد
ازینکه قهرمان اصلی
ترکش میکنه،
کشته میشه...

میخوام باهات
بهم بزnm.

Iris
Sekai

T.me/
IrisSekai

من "جووليان
شرور" شدم.



아빠,
나 이 결혼
안 할래요!

다음 화에 계속





씨엔씨레볼루션



@CncRevolution



@romancenineplus



blog.naver.com/romance_nine



از شما برای خوندن کامون
ممنونیم لطفا **کپی نکنین** و
بدون **ذکر منبع** کار مارو جایی نذارین.
شما میتونین با جوین شدن تو چنل
تگراممون از ما **حمایت کنین** و کارهای
جذاب دیکمون رو هم بخونین.